

سال صفری ۸

## ویرگو نویسندگان

۱۳۸۸ مهر





صفحه

۲	..... سخن سردبیر
۴	..... سلام به همه ورودی های فعال جدید!!!
۵	..... شرح احوال انجمن علمی کامپیوتر و روبوتیک
۶	..... کامپیوتر مذکور است یا موئث
۷	..... اقسام الدانشجو
۸	..... خواجه نصیر و دانشکده برق و کامپیوتر
۱۰	..... دل نامه

فهرست

## سر مقاله

اینجا عرصه جولان قلم است. پاک ترین قلم‌ها، روشن بین ترین و بی نیاز ترین قلم‌ها: **قلم دانشجو.**

اینجا دانشگاه است. جلوگاهی از تبلور اندیشه‌های سبز، جایگاهی برای تکامل ایمان به هدف و منزلگاهی در جهت موفقیت و بالندگی.

برکت تولد و شکل گیری فعالیت‌های مزین به نام مقدس "دانشجویی" چون هر محیط فرهنگی دیگر به دانشکده‌ی ما نیز راه یافت و هر چند دوره گذاری ساخت پیج در پیج را طی کرد ولی دانشجو با ذهن انعطاف پذیر و توان بی پایان جوانیش در لباس علم اندوزی و تفکر بی تعصب و پژوهش‌های متوالی راهی گشود برای حرکت به سوی تعالی.

جای بسی خوشحالی است که امروز تو توانستی با ذهنی کلان محفلي بسازی و مسیر رشد و تعالیت را هموار سازی. می‌دانیم تویی که توانستی تا کنون برای نیل به هدفت آهسته و پیوسته گام برداری ولی از این جا بعد است که باید یاد بگیری، هنر زیستن، با دیگران زیستن و انسان زیستن را.

دانشجوی عزیز، گام نهادن بر این عرصه را بر تو گرامی می‌داریم و ورودت را به دانشکده برق و کامپیوتر دانشگاه خواجه نصیر مبارک تلقی می‌کنیم، وارج می‌نهیم تمام تلاشت را.

در نهایت لازم است از تک تک اعضای همکار در این نشریه که از هر یک به سان آموزگاری دلسوز بسیار آموخته ایم و دیگر دوستانی که راهنمایی ها و پشتیبانی های بی شائبه شان را هیچ گاه از ما دریغ نداشته اند، صمیمانه تشکر کنیم و برای شما دانشجویان ورودی ۸۸ از خداوند منان تقاضای موفقیت و کامیابی را خواستاریم.



انجمن علمی کامپیوتر و روبوتیک

دانشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی

## ویژه نامه سال صفری ها

شماره ۱ - مهرماه ۱۳۸۸

صفحه - شمارگان ۱۰ عدد

صاحب امتیاز: انجمن علمی کامپیوتر و  
روبوتیک

دوستان یاری دهنده این شماره:

افشین جمشیدی

Jamshidi.afshin@gmail.com

مهرشاد نیک نژاد

mehrshadjoon2020@yahoo.com

سهیل تهرانی

Soheil.tehranipoor@gmail.com

شهره زرکش

Shohre\_zarkeshz@yahoo.com

صفحه بندی و روجلد :

سهیل تهرانی

Soheil.tehranipoor@gmail.com



# سلام به همه ورودی های فعال جدید!!!

اعظیم حمشیدی

آره دیگه! مگه شوخي داریم! اینجا خونه خاله نیست او مدید که! دانشکده کامپیوتر و برق خواجه نصیره!! خدای نکرده الان شما دیگه کامپیوتراستیدا! یه کامپیوترا خیلی فرقا با بقیه داره! خودتون از روز ثبت نام، یه سری تغییرات فیزیکی و شیمیایی تو خودتون حس نکردین؟! کامپیوترا شدید دیگه!! حالا بزار پاتون تو دانشکده باز بشه: دی من تیتر کارایی که به زودی انجام خواهیم داد رو میگم، شما خودتون زمان شروع این کارا رو از توی nasircom.ir یا تبلیغات توی دانشگاه پیدا کنید!

برنامه های آتی انجمن

- \* برگزاری مسابقات بازی (و شروع فعالیت گروه بازی سازی)
- \* برگزاری کلاس های مجتمع فنی در دانشگاه، با تخفیف دانشجویی (کلاس های زبان و تخصصی کامپیوتر)
- \* سمینار overclockerZ با همکاری آوازنگ و تشکیل گروه overclocking
- \* مسابقات روبوتیک در سطح مدارس و دانشگاههای تهران (با جایزه ای سفر به ژاپن!!! با همکاری SONY)
- \* دوره های آموزشی مختلف، با درخواست یا نیاز بچه ها
- \* برگزاری نمایشگاه های مختلف از محصولات شرکت های معترض مثل SONY
- ..... و

راستی، به دفتر انجمن سر بزنید! طبق آیین نامه جدید ما، همه بچه های کامپیوتر عضو انجمن علمی هستن و میتوونن از امکاناتی که انجمن میده استفاده کنن. امکانات انجمن هم محدود هست، ولی بسیار پرقدرت! شما اراده کنید، تا با هم انجامش بدیم.

دیگه ادامه نمیدم! بباید حضوری با هم صحبت کنیم!

## اطلاعیه گروه جاوا

و....

دسته‌ای از این framework‌ها و تکنولوژی‌هایی که مورد تحقیق قرار خواهد گرفت:

Spring – hibernate – EJB – JSF  
– Ajax – XML – JETTY – java FX

- ....

از علاقه مندان دعوت به عمل می آید به nasircom.ir یا آقای عطازاده مراجعه فرمایند.

سلام به دوستان کامپیوتری

انجمن علمی کامپیوتر و روبوتیک در نظر دارد تا گروه تخصصی برنامه نویسی به زبان شیرین جاوا را زیر نظر گروه برنامه نویسی، راه اندازی کند. اهدافی که در این گروه تحقیق می شود:

web & desktop طراحی و پیاده سازی application

\* توسعه فرهنگ و اهداف جاوا ای

\* آشنایی با جدیدترین framework‌ها ، library‌ها که در کنار جاوا قرار میگیرد

\* تسلط کامل بر موضوعات و مباحث J2EE

\* تسلط کامل بر J2ME و برنامه نویسی موبایل



## شرح احوال انجمن علمی کامپیوتر و روبوتیک

اندر حکایات آورده اند که انجمن علمی کامپیوتر و روبوتیک نام مکانی است که از ظواهر امر پیداست، به عصر آشوریان بین النهرين و یا حتی الامکان با آن همه ظرافت در معماری شاید، به دستور داریوش سوم و به مدد سارگارتیان و جماعتی عظیم که گویی خلق چین و ما چین را به یکجا جمع کرده اند تا این بنای کم نظیر را بر پا نموده اند، تعلق دارد.

قدما این گونه بیان نموده اند که نامش بر گرفته از نام قریه ای است از قراء دیار طبرستان که آن هم آبادگانی سر سیز است و در خور ستایش، که بعد ها در تاریخ بیهقی آمده است، به روزگار اردشیر اول، خواجه نصیرالدین طوسی نامی، بر لب جوی میان ده نشسته و نفسی تازه کرده.

فی الحال اگر از توصیف بنای آن بگذریم پس از مدخل و رویدی، گویند این جا مطبخ رومیان باستان بوده که اکنون با گل سفید، گل اندوش کردن و در آن به تعلیم علوم و فنون پرداخته اند. اول چیزی که زیباییش چشمان همگان را نوازش میکند، یکی است به استقبال نشسته، با موی بلند، دستار بر شانه انداخته، موزه میکائیلی بر پا، محاسنی بلندکه باد یارای شانه کرنش ندارد. در این مکان همگان خود را رئیس می دانند و دیگران را مرئوس، اما ریاست اینجا، نسل به نسل از نوادگان امرای بلاد روم و شامات و بر اساس تمام موازین و آخرین معیارهای ممالک فنقيه به جمعی از دوستان رسیده، گویند سنگ بنای آن را سپهر جلوه داری مقانی نمای نهاد که اگر وزیر باهوش و ذکاوتش حسین بو خمسین در مقام مشاوری او را در نمی یافت شاید هیچ گاه چنین کاخ شاهانه ای بنا نمی شد، بونصر فارابی هم در کتابش آورده، پس از چندی افشین جمشیدی که یکی از علماء عارفان مقام سلوک بود، از دروازه سوم که عوام از آن آمد و رفت می کردند در حال گذر بوده، چشمانش به مسابقه ای می خورد که از زمان خلقت آدم ابوالبشر تا کنون بی جواب مانده بود. از آنجایی که این طالب علم از هر طریق کسب علم می کرده و جملگی می دانستند صاحب کمال است و مزین به علوم سوال را حل نمود از آن به بعد سپهر جلوه داری مقانی مقامش را از فرط خستگی به او نهاد و خود را وقف حجره روبوتیک نهاد. حتی کنفوسیون هم نام نیک او را همواره پاد کرد. حتی 87 ای ها هم او را در این وادی همراهی کردند. از آن پس مشاورش نیز حسین بو خمسین تحت نظرارت حجره سخت افزار درآمد. جملگی در وصف او گویند خیال فراغت از تحصیل را امری خاصه برای ابلیس می دانسته و خدم و حشم از درک علومش عاجز بوده اند. از دگر تاثیرات خارجی این محیط معماری خاصه ای است که بر کامپیوتر نواده بیل گیتس طراحی نموده.

ولی فی المطلب وضعیت به همین جا خاتمه نیافت. این کاخ حجره ها و مکتب هایی نیز دارد که ستوران و مراکب تدارک دیده اند تا بتوانی از این حجره به آن حجره کنی و وارثان آن را زیارت فرمایی. گویند پس از حمله امرای مغول شخصی با نام امیر مدرسی کبوترنامه رسانی تعلیم داد

## شرح احوال انجمن علمی کامپیوتر و روبوتیک



و نامش را nasircom.ir نهاد و برای تحصیل احوالات و وقایع اتفاقیه‌ی کاخ از آن سود برد بعد‌ها او را در حجره‌ای نهادند تا عوام را به این علم مشغول سازد و آن حجره را با نام وب مزین ساختند. از دیگر حجرات، حجره پردازش‌های موازی است که ظواهر امر نشان می‌دهد سید محمد کاظم میر نظامی به وفور در آن جا یافت می‌شود. چنان‌که پیداست وجود این عالی قدر بر روی نمونه کار‌های کلاستر استادش، نوریان، که نمی‌دانیم از روی بخت نیکو بوده یا نا مساعد بودن احوالات ممالک بخارا و سمرقند زبانزد عام و خاص گردید. در این بنا شیخ ابن... میراشه نیز که کرامات آن عجب حالی است جایگاهش به مرتب والاتر از جایگاه شیوخی چون اتابک اعظم، حسین سینای همدانی و دگران است. از آن جایی که دیگر در طریق کسب علم طالب ترم اضافه نمی‌باشد و خواهان ادامه سلوک در وادی بیرون کاخ است نایل به درجه فراغت و طالب جایگزینی برای خویش است.

از دیگر عناصر خدموم این بنای متبرک باید به شرح احوالات حجره هایی اشاره کرد که روزگاری است به فرط زحمت و از دیدار نیاز جماعتی به مراتب بیشتر از لشکر نایل‌ئون تکاپارت بر آن آمدند تا جملگی جاوا، شبکه و اورکلاکینگ را بنا کنند، که نمی‌توان یافته همچون آن بل مشتبهش جایی دیگر. و اما دنگ گوشه‌ی این بنای عظیم را زمینی فرا گرفته که سرباز‌های چنگی مجهز به لباس و کلاه خود و شمشیر و زره در حال تکاپویند که شعله حجره بازی را روشن نگاه دارند.

از دیگر امرایی که جایگاهشان بر سر ما در ارتفاع 10 متری یا بل بیشتر در هوا قرار دارند و به جهت مراتب والايشان دائماً در حال طی الارضند و کمتر به چشم می‌آیند و اگر بتوانی آن ها را از هم‌ارت کنی بدان خداوند عزوجل تو را مورد لطف خود قرار داده، می‌توان از مجتبی قربان علی بیک، کسری خصوصی، علیرضا عطازاده، نینا رازدار، سهیل تهرانی، مهرشاد نیک نژاد، علی پرویز، محمد امینی و .... نام برد که حتی آوازه آن‌ها به بلاد روم و یونان نیز رسیده در تاریخ آمده است، در این کاخ دخترانی صاحب کمال و آراسته به علوم رفت و آمد داشته اند که یحتمل می‌توان به نوادگان کاپادوکی‌ها نسبتشان داده، اما آورده اند که تمام قومشان در عصر یخ بندان به تاریخ پیوسته و از ایشان یکی باقی مانده، شهره زرکش نامی که گویند او هم به گفتن چنین متونی همت گماشته و ... علم.





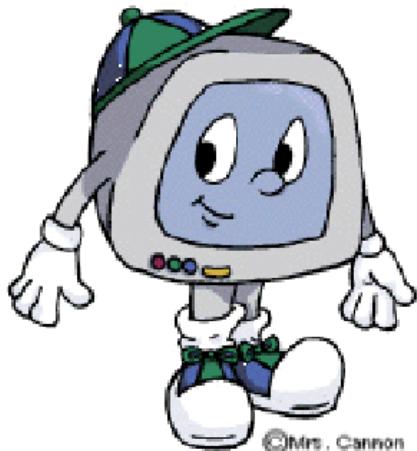
## کامپیوتر مذکور است یا مونث

آموزگار زبان فرانسه مشغول توضیح دادن مذکر یا مونث بودن اسم ها در زبان فرانسه بود که در این هنگام دانشجویی پرسید:

"کامپیوتر مذکور است یا مونث!؟"

آموزگار که در جواب آن مطمئن نبود دانشجویان را به دو گروه دختر و پسر تقسیم کرد.

مدتی بعد دانشجویان پسر با ارائه‌ی دلایل ذیل جنس کامپیوتر را مونث اعلام کردند!!



- \* به غیر از خالق آنها، کسی از منطق درونشان سر در نمی‌آورد.
- \* کسی از زبان ارتباطی میان آن‌ها، سر در نمی‌آورد.
- \* برای کار کردن با آن‌ها باید به چندین زبان برنامه نویسی مسلط شد.
- \* کوچکترین اشتباهات را در حافظه‌ی دراز مدت خود ذخیره می‌کند تا بعد ها تلافی کند.
- \* نسبت به گرد و خاک واکنش نشان می‌دهند و کاراییشان به شدت کند می‌شود.
- \* میتوان یک سری از اطلاعات مهم را روی یک CD ذخیره کرد، چون فراموشی آنها کاربر را دچار عوایق جبران ناپذیر می‌کند.
- \* وقتی یکی از آن‌ها را خریدید، از آن به بعد باید تمام پول خود را صرف ارتقا و خرید لوازم جانبی آن بکنید.
- \* با وجود یک کامپیوتری متصل به شبکه‌ی اینترنت می‌توان از اطلاعات دیگر کامپیوتر‌ها می‌باشد.

از طرف دانشجویان دختر نیز با ارائه‌ی دلایل زیر جنس آن را مونث اعلام کردند:



- \* با آن که داده‌های زیادی دارند، باز هم نادانند.
- \* وقتی به یکی از آن‌ها تکیه می‌کنیم گمان می‌کنیم بدون آن نمیتوانیم کاری بکنیم.
- \* وقتی Hang می‌کنند راهی جز Reset نیست.
- \* قرار است مشکلات را حل کنند اما در بیشتر اوقات معضل اصلی خودشانند.
- \* اگر سیستم خنک کننده شان از کار بیفتد CPU به راحتی می‌سوزد و کارایی به صفر می‌رسد.
- \* برای کار کردن با کامپیوتر راه‌های متفاوتی وجود دارد که باید توانایی کار کردن با کلید‌های میانبر را حتماً یاد گرفت.
- \* خیلی راحت از طرف کاربر قابل برنامه ریزی هستند.
- \* همین که یکی از آن‌ها را انتخاب کردید، متوجه می‌شوید اگر صبر کرده بودید مورد بهتری نصیبتان می‌شد.



## اقسام الدانشجو

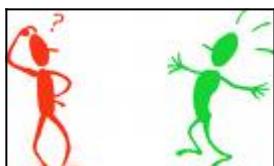
الدانشجو هو موجود الفاخر، الذي يسكن في مكان اسمه خوابگاه. لا موجود فيه امكانات الكثير و آبه يقطع گاهًا. هكذا ماء حار كمياب في شير آلب. آلات البارد والحار (غرمايش و سرمایش) يعمل في الشتاء والصيف بالعكس. و هو (الدانشجو) يطعم طعاما فقط اسمه طعام شئ نرمت من السنگ الذي قادر على ذهاب من الحلقوم الى الپاين في مكانه اسمه السلف.

الغرض الدانشجو ثلاثة الأقسام:

- \* اوله تنبيل ؛ الذي في خواب في الخوابگاه دائم. ليس هيچ گاه في الكلاس و هو دائما عند الاستاد في زمان تحصيل النمرات في انتهائى الترم.
- \* دومه نوع الدرس خوان الذي يدرس ولا يخواب في يوم و نوم. هو دائما في الكلاس و عند الاستاد. هو پاچه خار و الاستايد يحبونه. يتحمل في دسته كيف عجيب اسمه سامسونيت و عموما مملوء من الكتاب و الدفتر و الجزوات العديدة.
- \* اما القسم سوم من الدانشجو؛ هو الباطل والعاطل في الدوران الترم لكن هو فعال في زمان الامتحان و بعده في تحصيل نمرات المعقول ليأمن من المشروطى. يگوش موسيقى دائم حتى في الخواب و سر کاره با شعر و كتب غير الدرسي. هو بي خيال أو في الخيال الباطل.

علاوه على اليهها اقسام ديگر من الدانشجو هو الذي فعال في البسيج أو السياسة فقط.

- \* نوع الآخر من الدانشجو، هو يدرس وفعال في ما فوق الفعاليت وشاید موجود بی کار الذي يكتب و يتشر نشريه مثل شهره زركش هكذا!!!



## معمای بیل گیتس

دو اتاق در مجاورت هم قرار دارند. هر کدام یک در دارند ولی هیچکدام پنجره ندارند. درهایشان که بسته باشد درون اتاقها کاملاً تاریک است. در یک اتاق سه چراغ برق به توانهای ۱۰۰، ۱۱۰ و ۱۲۰ وات و در اتاق دیگر سه کلید برق مثل هم وجود دارد. (طفا به شکل زیر نگاه کنید) ما نمیدانیم کدام کلید کدام چراغ را روشن میکند! (مثلا نمیدانیم آیا کلید وسطی مربوط است به چراغ وسطی یا به چراغهای دیگر اما بطور قطع میدانیم که هر کدام از کلید ها یکی از چراغها را روشن میکند. همچین ترتیب چراغها را هم نمیدانیم). شما معلوم کنید که هر کلید مربوط به کدام چراغ است. برای اینکار و در شروع، شما باید در اتاق کلیدها باشید و کار را از آنجا شروع کنید. شما میتوانید هر چند مرتبه که بخواهید کلیدها را روشن و خاموش کنید. اما شما تنها هستید و نمیتوانید از کسی کمک بگیرید و هیچگونه وسیله ای هم خواه برقی خواه غیر برقی بهمراه ندارید و مهمتر از همه اینکه شما حق ندارید بیش از یکبار وارد اتاق چراغها شوید و وقتیکه وارد شدید و بیرون آمدید، دیگر نمیتوانید مجددا وارد آن اتاق بشوید

پاسخ در nasircom.ir

حال بفرمایید که هر کلید کدام چراغ را روشن می کند؟



## خواجه نصیر و دانشکده‌ی کامپیوتر و برق

خاصی مستقر نیستند اما بعدها با فواید این شورا هم آشنا تون می‌کنیم.

حالا اگه ۹۰ درجه به راست بچرخی می‌رسی به سایت برق، که فضای بسیار هیجان انگیزی داره که بیشتر شبیه اتوبوس‌های جمهوری اسلامی دختراعقب نشستند و پسرا جلو و

به ازای هر صندلی ۵ نفر هستند و به ازای هر ۳ صندلی ۱ کامپیوتر. تازه روی سیستم اولی که نوشته خراب است.

سیستم کاریش که موس نداره و بقیه سیستم‌ها هم یه جوری می‌لنگن.

جلوی سایت و ساختمان اصلی یه فضای سبزی هست که بچه‌های کامپیوتر بهش می‌گن پارک برق. طبقه همکف ساختمون دانشکده برق! نذارین که نمای باستای این ساختمون بگریتتون آخه از سال ۱۳۰۷ همین جوری مونده.

اول که میای تو یه سری آثار باستانی می‌بینی که ... نترس اینجا موزه نیست همین جوری اینا رو گذاشتند واسه جذب دانشجو.

طبقه‌ی دوم، جایی که حالحالا ها باهاش سر و کار دارین، کلاس‌ها و البته سرویس‌های بهداشتی، به هر حال لازمه.

کلاس اول: ۲ تا پرنده‌ی عاشق و میبینه که با هم خلوت کردن و دارن تنها یشنونو با هم قسمت میکنن

کلاس دوم: در حالی که استاد داره درس می‌ده کل کلاس دارن اون ته فوتیال دستی بازی می‌کنن.

کلاس سوم: تعداد کثیری از بچه‌ها رو میبینه که در تلاش و تکاپوی علم اندوزین. جلو که میره میبینه جوابای معادلات یه بنده خدا رو گذاشتند وسط و با چه سرعتی دارن از روش



بالاخره شما هم کمر کنکور و خم کردید و او مددید دانشگاه‌یه تبریک جانانه بهتون می‌گیم چون توی یکی از چهار رشته‌ی برتر جهان و در یکی از معترض‌ترین دانشگاه‌های ایران و حتی دنیا!!! قبول شدین. بريم سراغ معرفی دانشکده‌ی برق و کامپیوتر... .

راه رسیدن به این محل با صفا و دوست داشتنی کاملاً بستگی به خودت داره مهم این که مسیرت از کجاست ولی من شخصاً درب شمالی رو ترجیح میدم، از درب غربی که وارد شی یه راه روی بلند، می‌بینی، نمودنم چرا، ولی همیشه یه نسیمی در حال گذره که اگه یه توربین بادی اون جا نصب کن، حتماً بچه‌های برقی! رو مستغیز می‌کنه. حالا اگه از همین درب غربی، راست دماغت و بگیری و بیای به همون درب شمالی خودمون میرسی. البته تو این راستا اول حراست و بعد سمت راست انتشاراته. کنار انتشارات یه درب ورودی کوچولو به ساختمان اصلی راه داره و به درد موقعی می‌خوره که کلاست دیر شده واستادم ... بعداً خودت می‌فهمی.

اگه از بیرون بخوای بیای این جا همیشه کنار دکه روزنامه فروشی یه دست فروشه که داره دامن و تنبون و شرت و ... از این جور مخلفات می‌فروشه. واما انجمن علمی کامپیوتر، مکانی است بس مفرح و مملو از علم و دانش که مراجعه به این مکان را اکیدا توصیه می‌کنم. همچنین تو دانشکده یه شورا با نام شورای دانشجویان کامپیوتر داریم که فعلًا جای



## خواجه نصیر و دانشکدهٔ کامپیوٹر و برق

قرار گرفته که عموم صفر و عموم منصوری همیشه نشستن اونجا و از استقبال میکنند.

راستی، یه زمین فوتیال هم داریم که والا چی بگم! آنچه عیان است چه حاجت به بیان است.

آخر همین مسیر، به درب ورودی سلف دختران می‌خوره، «سلف» نام محلی است که در آن موادی را با نام غذا به شما انداخته و در عوض آن از شما کارتی طلبند آسمانی رنگ، که اگه بتونی تو هفته‌ی اول جان سالم به در کنی مفهومش اینه که تو تونستی بر معده ات پیروز بشی و اونو مغلوب



کپی میکنند. انقدر اینکارو با مهارت انجام میدادند که به نظر میومد ۱۲ ساله کارشون همینه.

طبقه‌ی سوم هم به میمنت ورود شما بچه‌ها مبدل به کلاس شد ولی...

تو طبقه‌ی سوم یه جایی هست به نام آموزش مثل دفتر مدرستونه البته خیلی دوست داشتنی تر، مخصوصاً وقت انتخاب واحد که سر و صدای تولید شده توی این مکان محدود فقط با بورس نفت قابل مقایسه است.

یه ذره از درس و کلاس و آموزش  
فاصله می گیریم، یه ساختمان تر  
و تمیز می بینی که ... حیف  
ماله تو نیست محل اسکان

رؤساست و در وصف آن گفته اند که باید شش آسمان کنی.

حال اگر در راه به قسمی از دانشجویان بخورد کردی  
که وارد ساختمنی واقع در جنوب پارک سخت افزار می  
شوند، آن ها دو دسته اند: یکی پسرانی اند که رهسپار  
سلفند و گروه دیگر طالب علم و افزونی دانش. طبقه ی  
دوم اتاق بچه های رباتیک قرار گرفته و طبقه سوم این  
مکان هم شامل اتاق مطالعه و کتابخانه ای دانشکده است  
که می توانی اونو با کتابخانه ای ملی ایران هم تراز  
بدونی!!

در جوار این کتابخانه یک آمفی تئاتر که به موقع هایی خوب جایی هست برای نشستن و از برنامه هاش فیض پرداخت.

این بود یه بیوگرافی مختصر از دانشکده، ولی این و یاد بگیر، دانشگاهاتو هر جوری که هست دوست داشته باش و نیمه ی پر لیوان و بین این جوری بیشتر می تونی از چیزای قشنگ و با حالش لذت ببری.

رؤساست و در وصف آن گفته اند که باید شش آسمان پیمود تا بدان مقام والا رسید.اما طبقه‌ی همکف همون سایتی که وعده اش را داده بودم،به هر حال همنه که هست!

طبقه‌ی زیرین هم نماز خانه و سرویس‌های بهداشتی قرار گرفته، ولی مواظب باش که ماله آقایون سمت غرب ساختمان و ماله خانوما سمت شرقی ساختمانه، از ما گفتن مواظب باش روز اول ضایع نشی سمت راستم یه سری پله می بینی که جهاد دانشگاهی بالایه، همه‌ناست.

بازم راهو ادامه بده می رسی به یه جای با صفاتر که  
می تونی اگه کلاس ها بہت خیلی فشار آورد و  
گرسنست کرد یه استراحتی توش بکنی. کامپیوتري ها  
به این جا می گن پارک سخت افزار (البته قدیمی ها  
بهاش پارک ژوراسیک می گن!!) قسمت شرق پارک یه  
بوفه ی پراز امکانات با تمام تجهیزات و وسائل رفاهی!!

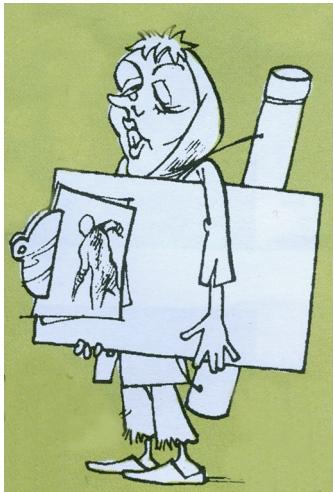


## دل نامه



هر جوری بود اومدی تو اینجا - دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی رو می گم - تو اون  
کله ات می دونم چی می گذره! یحتمل می خوای معدل بالای ۱۷ بیاری تا رشته ات رو عوض  
کنی ، گلاب به روت بری "برقی" بشی؟! یا می خوای با معدل بالا ۱۷ ، دو تا رشته با هم بخونی !  
نکنه په بار تو مرحله‌ی اول المپیاد شرکت کردی و حالا می خوای به واسطه اون بری یک

دانشگاه دیگه؟! یا هنوز وقت است رشته ات رو عوض کنی! یا به نظرت دانشگاه محیط خوبی برای رشد و کمال و پرورش



جشنواره خوارزمی و ... نه؟

(((فحس بد!!!)))

دست کنیم اینا رو.....  
دست تو هست  
که دست تو هست  
این میکنی که  
تُلپ میکنی که  
فک و فامیل اهن و تُلپ میکنی که  
کنار رفقا و فک و فامیل اهن و تُلپ میکنی که  
بعدم میشینی کنار رفقا و فک و فامیل اهن و تُلپ میکنی که  
نه؟ یا فی المثل این متنی که دست تو هست  
از دستمون در رفته؟ نه؟ بچه های انجمن علمی کارشنون رو بلد نیستن و ما باید بریم تو شون

## جمع کن عمو بند و پساطت رو

شماره های دیگه مجله رو بینی چی میگی؟! حکماً خواهی گفت این خواجه نصیری ها در

کار، دقت لازم را مبذول نمیدارند... وقتی مون رو گرفتن و دارن چرت و پرت تحویل مون می دن !

دانشجو بعنی وقت، يعني full time سکا، الاف، وا و ..... lost باز و ..... (تاون که مدونی، حبہ؟)

درثانی: یعنی همه چی کشک؟ ناشر و تایپیست و غلط گیر و .... هیچکس مطلب رو نگرفته، الا حضرت عالی! یا حضرت

علیه! راستی! اون بالا، باید اضافه کرد، "جم کن عمه بند و بساطت رو".... " که یه وقت - هفت قران به میان، زبانم لال -

نگویند یار و بوبی از نقد فمینیستی نبرده است!



ثالثاً: اونجا من یه چیز گفتم، سانسور کردن . زیاد فشار نیار به خودت که بفهمی چی هست !

چی دارم میگم من؟!! پنداری من و راج شدهام و شما هم ende بیکار.... (حذف به قرینه لفظی رو داشت) (؟!)

دل نامه



قشنگی ترم های فرد به ورودی جدید یا شونه دیگه ! خلاصه مشکل پسندم باشی، این ترم افتادی به نمره گرفتن ! اینا میشه ذکرت : ”ترو خدا یه نمره“ ”استاد مشروط میشما“ .....  
یه وقت میبینی ۴ ترم گذشته و ۴۳ واحد پاس کردی. ترم تابستانی میگیری و خودت رو به درو  
دیوار میزنی . هر جور حساب میکنی، میبینی بعععله ! ۵ ساله شدی .... ۱۰ ترمه شدی .... قراره  
بشی ببابی دانشگاه .... (از این بیشتر نمیتونم ادامه بدم، چون ۱۸۶ ای هستم و تازه ترم ۴ رو  
گذروندم . ایشala همین مطلب رو با اضافات ترم ۵ و ۶ به خورد ۱۸۹ ای ها میدم، البت اگه هنوز  
اخرج نشده باشم) .



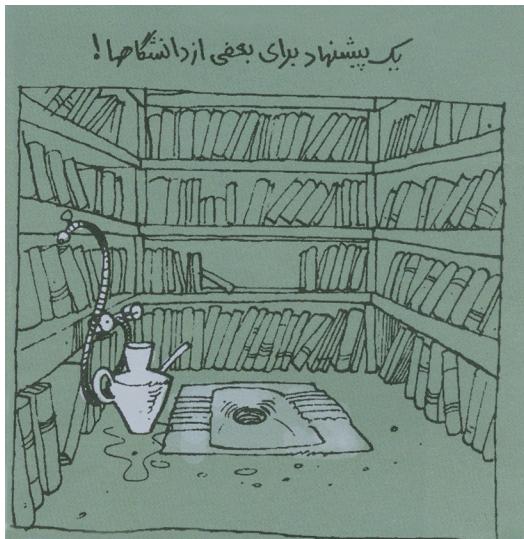
آقا (با اصرار بچه ها) خانوم. ول بگردی تمومه. میشی "من". ول یعنی چی؟ یعنی اینکه سر کلاس نزی ! یا اینکه قبل انتخاب واحد بری سوال کنی: "کدوم استاد حضور و غیاب نمیکنه؟" ، "کدوم استاد راحت همه رو پاس میکنه؟"

عینه یه کامپیوتري با شخصيت برو بشين سر کلاس جزو بنويس!!!!!! همين جزو نوشتن باعث ميشه که کم ياس، يکني، اون درس رو ! تضمینه ! بدون گير يابا !

استاد؟؟ ماه ! عسل ! خودشه ! باقلوا ! همون کسی که باید در راهش فانی بشی! چرا؟؟ چون خیلی از من و تو کمترash، یه شبه با یه گوشه چشم استاد، با یه پروژه استاد رفتن جشنواره خوارزمی که هیچ، رفتن یه جاهایی که من اسمشم بلد نیستم و خیلی از منو تو خرخون تراش، به هیچ جایی نرسیدن، چون نفس استاد، دعای استاد پشتشون نبوده. حتی از یکی از معدود مشروط شدگان ۸۶ (ع. پ) پرسیدم، که آیا ایشان حاضر هستند ۲۰ درس مدار ۱ را بگیرند، و محبت استاد را بدنهند، ایشان با قاطئیت جواب دادند: "خیر".

البته این کار فی المجلس به این حکایت میمونه :

جوانی که به عاشقی شهره شهر بود، به خدمت شیخ رسید. شیخ او را گفت، به پندارت عشق به خاتون از عشق به خداست؟! جوان گفت شمهای از آن است. در طشت آب، نقش ماه میبینم. شیخنا فرمود، که اگر گردنت دمل نداشت، سر بر آسمان میکردی و خود بلاواسطه ماه را میدیدی.



باید ول باشی . نه اون ول نوع اول بلکه ول نوع دوم ! (بله چند نوع  
داره) ول باشی .... تو آزمایشگاه ها .... تو انجمن علمی .... تو کلاس های  
برنامه نویسی JAVA و ..... تو کلاس های رباتیک و ..... تو مسابقه  
ها .....(تبليغ هاش رو که ديدی ) .... اينجور جاها باید ول باشی .. نه تو  
پارک کامپيوتر (صنایع قدیم و زوراسيك قدیم تر) .... نه جلو مغازه ی  
عمو صفر .... نه پی (....(استغفار الله) ....

ول باش از نوع دوم . تو این کار مداومت کن . نتیجه‌ی این مداومت‌ها را رو می‌بینی . همه‌ی مشکلات حل می‌شوند . اجنده به کمکت میان . معنای درس رو می‌فهمی .

عزیز جانم ! اینقدر حرص نخور . می‌دونم فکر کردی راحت شدی . نه ؟ ولی بی‌بی‌بی‌بی‌دانشگاه تازه اولش !

حالا خود دانی، ....

پکی نیست به من بگه تو که لالایی بلدی چرا آسیزین می خوری تا بخوابی .

(اگه کسی بی سه منم جواش رو می دم از بی که شب ها بیدار موندم دری خوندم ، عادت کردم )

## وضعیت استادای ما!

قبل از اعلام نمره ها!

استادا .... استادا ....  
استادیون مبارک ....  
برو شمغا رو فوت کن ....

بزار، ما پشت  
کنم استاد  
من !

ما از فوشمالی  
مردیم وقتی فهمیدیم  
شما این درس رو  
ارائه دادید ...!

استادا مپکریم...  
استادا مپکریم...  
استادا ما پاکریم!  
استادا ...

بعد از اعلام نمره ها!

من اسمع رو میزارم بز  
آله دفعه‌ی دیگه با تو  
درس و درام ....

شما استادید  
یا کافر؟

استاد ....  
استاد ....  
 وقت کن!!!!!!

مولان مولان

ای امید خلق ایران!!!

آنه آدم

قطعی بود

اینا رو استاد

کردن؟!!